



ابوالقاسم رحمانی روزنامه‌نگار

این بار برخلاف روال همیشگی قرار نیست آرام شروع و یک معرفی ساده و کلی صورت بگیرد، اتفاقا خیلی صریح واقعبیت و اصل ماجرا را بیان می‌کنم. صدای فریاد تمام سالن طبقه سوم را برداشته بود. طبقات پایین تر بیشتر گریه و ناله بود اما در این طبقه به تناسب جته‌ها طنین صدا هم بیشتر شده بود. بخشی از این فریادها ناشی از وضعیتی بود که عاملش را نمی‌دانم و قطعاً برآمده از ناتوانی ذهنی و جسمی‌شان بود، بخشی دیگر اما به گفته یکی از پرستاران به خاطر زخم‌هایی بود که در بدن‌شان ایجاد شده بود، چرا؟ چون پوشک نبود، نه اینکه فقط همین چند وقت و چندماه که پوشک گران شده است اینها محروم شده باشند، نه! از خیلی قبل‌تر هم پوشک نداشتند و این مصیبت را تاب می‌آوردند که کهنه بشوند. طبقه‌ها را از پایین بالا رفته بودم و جز اینکه سری تکان بدهم و غصه بخورم، کاری دیگر به ذهنم نمی‌رسید. نه آنها می‌دانستند من چه کسی هستم و نه من می‌دانستم باید دقیقا چه کار کنم؟! حالا موقع برگشتن بود. باید دوباره طبقات را برمی‌گشتم. یکی از مددجوها چشمانش پانسمان شده بود. از پرستار پرسیدم: چه اتفاقی افتاده؟ جواب داد: چند وقت پیش دستش رو کرده تو چشمانش و چشمش رو درآورده... خوب تصور این صحنه هم سخت‌ترین کار دنیااست، دیدنش که... از قدم زدن بین این مقدار مصیبت که چشمان زیبایی داشتند، حتی فاطمه طبق اعلام غرب‌النگر آموزش و پرورش حالا دانش‌آموز بود؛ حتی دیدن وفا، ارمان و گریه‌های سمیرا، همه‌اش حال آدم را طوری می‌کند که باید در فکر فرو بروی و ساعت‌ها حرف زنی. شاید حالا که چند ساعتی می‌گذرد حال بهتری داشته باشم. فردا بهتر و پس فردا هم انگار نه‌انگار که امروز جریانی وجود داشت اما خوب دیدن این صحنه‌ها می‌تواند دردناک‌ترین اتفاق باشد و تماشای صبر پرستاران، زیباترین تصویر. چند روز پیش به همراه چند نفر از دوستان و هم‌دانشگاهی‌های سابق، سری به موسسه بهزیستی نارمک زدیم. قرار بود مقداری از کمک‌ها را که توسط دوستان مان جمع کرده بودیم، به دست‌شان برسانیم که به محض ورود و اهدای کمک‌ها متوجه مشکلات فراوان این مجتمع شدیم. مشکلاتی که البته به ادعا ن مدیران از سال‌های قبل کمتر شده است و امیدوارند روزبه‌روز هم بهتر شود. قصد تهیه گزارش نداشتیم؛ یعنی آن روز فقط برای کمک رفته بودم اما بعد از مشاهده وضعیت موجود، تصمیم گرفتم از اوضاع این مرکز اطلاعات بیشتری کسب کنم و در حد توان مصائب آنها را بازگو کنم. هر چند امید بی‌مسئولانه بهزیستی نیست، مردم می‌توانند ببینند و آستین بالا بزنند. حالا حین گفت‌وگو چند ساعتی از آبلود فیلم سخنان یکی از وزرا و بی‌محل‌ی او به جان انسان‌ها می‌گذرد و اینجا هم پر بود از بچه‌هایی که خیره به سقف و منتظر جان دادن، در حال ناله کردن و به خود پیچیدند، اما امیدشان به پرستاری بود که نوازش‌شان می‌کرد و برایشان شعر می‌خواند.



گزارش «فرهیختگان» از مرکز معلولان نارمک که با کمک‌های مردمی اداره می‌شود

# خیره به سقف فریاد می‌کشند

**محدودیت جا و مشکل در تفکیک مددجوها**  
یکی از عمده‌ترین مشکلاتی که داریم وضعیت فضا و ساختمان‌هاست؛ ساختمان‌ها قدیمی است. قاعده‌ای در بهزیستی وجود دارد تحت عنوان کمتر از ۱۴ سال و بیش از ۱۴ سال یعنی اینکه باید مددجوها طبق این قاعده تفکیک شوند، اما به‌خاطر محدودیت جاقفط نداشتن این لحاظ جنسیتی تفکیک‌ها را انجام دهیم و از لحاظ سن و نوع معلولیت امکان تفکیک مددجوها را نداریم. این ساختمان قدیمی باید تخریب شود و خبرانی هم آماده هستند تا این اقدام صورت بگیرد و امیدواریم هرچه سریع‌تر مراحل اداری آن طی شود. این مرکز نارمک با وجود قدمت ۵۰ ساله به‌خاطر دولتی بودن ناشناخته مانده است و خیلی‌ها نمی‌شناسند. اگر این مراکز را به مردم معرفی کنیم به نفع مددجوهاست؛ چون سرانه‌های دولتی و سازمان بهزیستی دردی را دوانمی‌کند و ما نیازمند کمک‌های مردمی هستیم.

**روی خوش ماجرا**  
اقداماتی که در این موسسه صورت پذیرفته از زمانی که مدیریت به ما واگذار شده، از آن وضعیت سابق که صرفاً زنده نگه‌داشتن مددجوها بود فاصله گرفته است. دوره قبل هدف همین بود و بسیاری از مددجوها تا پایان عمرشان خیره به سقف می‌ماندند و این بسیار دردناک بود. برای مثال با سازمان مدارس استثنایی آموزش و پرورش ارتباط گرفتیم و آنها گروهی را جهت غربالگری به مرکز اعزام کردند و در بین بچه‌ها دختری به نام فاطمه سلطانی، آموزش‌پذیر معرفی شد و حالا در یکی از مدارس همین نزدیکی ثبت‌نامش کردیم هر روز صبح سرکلاس اول می‌رود. همین‌طور یکی از بچه‌ها هم جهت ثبت‌نام در مدرسه استثنایی معرفی شد. دونفر از بچه‌های سه‌ساله، وفا و ارمان، را بردیم مهدکودک نزدیک مرکز ثبت‌نام کردیم. سسه‌نفر دیگر از بچه‌ها آموزش‌پذیر مهارتی هستند، اینها را به مرکز وحدت که حرفه‌آموزی است فرستادیم و درحال فراگیری کار و حرفه‌ای هستند. تا به اینجا هفت نفر از بچه‌ها را هر روز صبح به این مراکز مختلف و مدرسه و... می‌بریم و بعداً ظاهر هم آنها را به مرکز برمی‌گردانیم.

به حد معقولی از خدمت‌رسانی می‌رسد.

**نیروی داوطلب، پزشک داوطلب و گروه موسیقی**  
تعدادی نیروی داوطلب هم داریم اما نه به صورت مادریار؛ گروهی هستند که می‌آیند بچه‌هایی که جزء بخش ایزوله نیستند، می‌برند اسنای بازی و با آنها تمریناتی مثل نرمش یا راه‌رفتن و... انجام می‌دهند. گروه موسیقی هم می‌آورند و... و به‌هرحال این امور محدود به همان ۲۰ و چند نفر مددجو است که ایزوله نیستند. در ارتباط با سرانه و بودجه هم باید به این موضوع اشاره کنم که بر فرض تخصص و پرداخت هزینه‌ها از سوی بهزیستی، کل این بودجه ۲۰ درصد هزینه‌ها را پوشش می‌دهد و الباقی از محل کمک‌های مردمی تأمین می‌شود.

دو پزشک از طرف سازمان به مددجوها سرکشی می‌کنند؛ یکی متخصص اعصاب و روان و دیگری دکتر عمومی است. حدود پنج، ۶ نفر هم پزشک متخصص جزء خیرین هستند که طبق برنامه در حوزه‌های مختلف به صورت رایگان سرکشی می‌کنند و خدمت ارائه می‌دهند. حضور این پزشکان البته نتایج دیگری دارد و آن هم تهیه دارو و نوشتن نسخه‌ها در دفترچه‌های بیمه مدجوهاست.

**مردم تحت هر شرایطی پای کار هستند**  
ایس گرانی‌ها و وضعیت بد اقتصادی روی کمک‌های مردمی تأثیری نگذاشته است و حجم کمک‌ها بسیار خوب است. این هم البته نکته‌ای دارد که در گذشته وجود نداشت و آن تبلیغ و معرفی است. در زمانی که اینجادولتی بود، گزینی کاملاً ناشناخته بود و به‌جز عده محدودی از خیران کسی اینجا نمی‌شناخت و کمکی هم نمی‌کرد. در آن زمان تبلیغاتی صورت نمی‌گرفت چون موانعی وجود داشت؛ زیرا دوست نداشتند به‌عنوان یک نهاد دولتی بگویند که پول ندارند و... اما اکنون ما این محدودیت‌ها را نداریم و تبلیغ می‌کنیم. مردم مراجعه می‌کنند و خیلی‌ها قصد پرداخت پول ندارند و می‌پرستند به چه چیزی احتیاج داریم؟ لیست به آنها داده می‌شود و آنها اقلام مورد نیاز را تهیه می‌کنند و برای ما می‌فرستند.

**وزارت بهداشت ناتوان در تأمین واکسن**  
در ارتباط با واکسن ما پارسل مکاتبه‌ای با وزارت بهداشت داشتیم و در تهیه واکسن مشکلی نبود و مرکزی را معرفی کردند که به آنجا رفتیم و تهیه کردیم. امسال مراجعه کردیم، گفتند: اسم موسسه شما برای دریافت واکسن ثبت شده ولی درحال حاضر واکسنی وجود ندارد. خوب واکسن یک بازه زمانی دارد و باید به سرعت تزریق شود، برای همین خودمان با کمک‌های مردمی درصدد تهیه واکسن هستیم و هر شب تا دیروقت مسئول خرید موسسه به دنبال تهیه واکسن‌هاست؛ تا الان هم تعدادی از تهیه کرده‌ایم. وزارت بهداشت باید این واکسن‌ها را به ما بدهد اما متأسفانه هنوز تخصیص ن داده است و وقتی هم پیگیر شدیم، می‌گویند موجود نیست.

**در گذشته هر مادریار، ۲۰ مددجو را تحت پوشش داشت، درحالی‌که استاندارد ۸ نفر است**

یک‌قاعده کلی داریم در ارتباط با کوچک‌سازی دولت‌برون‌سپاری برخی اقدامات که در ارتباط با این موسسه هم بیش از ۱۰ سال است که صحبت از واگذاری آن است. اما بهزیستی خودش راضی به این واگذاری نبوده؛ چون مشارکت مردمی بالاست و اداره اینجا هزینه زیادی برای بهزیستی نداشت. از طرف دیگر همه پرسنل دولتی بودند و بودجه را از دولت می‌گرفتند؛ برای همین راضی به واگذاری نبودند اما بعد از سال‌ها با موضوع ممنوعیت استخدام و بازنشستگی نیروها مواجه می‌شود که نتیجه‌اش کمبود نیرو بوده؛ درنتیجه به خرید خدمات از شرکت‌ها روی می‌آورد اما در تأمین هزینه‌های آن به‌مشکل برمی‌خورد. درنهایت با اینچنین می‌رسد که سال گذشته با مشکل جدی هم در تعداد نیروها و هم در موضوعات مالی مواجه می‌شود. براساس استاندارد هر هشت مددجویک مادریار لازم دارد. وقتی این تعداد به ۲۰ نفر با یک مادریار می‌رسد، در نگهداری از آنها مادریار با مشکلاتی جدی مواجه می‌شود و مددجوها نیز آسیب می‌بینند. درنهایت راضی می‌شوند که این موسسه را به هیات‌مدیره واگذار کنند و هیات‌مدیره هم بنابر شناخت بلندمدتی که از این مجموعه دارد، بخشی از کمبودهای آن را جبران می‌کند و از آن وضعیت اسفبار

تعرفه مشخص شده‌ای دارد. از پارسل هنوز برای ما سرانه‌ای را اختصاص ن داده‌اند و فقط با کمک‌های مردمی اینجا اداره می‌کنیم. البته نه اینکه نخواهند بدهند، بودجه‌ای در نظر گرفته نشده که بخواهند تخصیص بدهند. البته موضوع پروانه فعالیت هم هست که در گبرودار و بوروکراسی همچنان منتظر دریافت آن هستیم ولی خوب این پروسه زمان بر است و این مجموعه نیاز به پشتیبانی دارد. کمکی که سازمان درحال حاضر انجام می‌دهد، پرداخت حقوق حدوداً ۳۰ نفر از نیروهای درحال فعالیت برای سازمان بهزیستی است. البته حقوق ۷۵ نفر از این نیروها را ما با کمک‌های مردمی پرداخت می‌کنیم.

**از گذشته هم توان تهیه پوشک نداشتیم**

در ارتباط با کمبودها و به‌خصوص ماجرای پوشک و... ماجرای اینجا متفاوت است و مشکلات ما محدود به این بازه زمانی نیست. قبل‌تر که پوشک به فراوانی بود، ما تصمیم گرفتیم به تعداد بچه‌هایی که از پوشک استفاده می‌کنند، اضافه کنیم؛ به‌خصوص دخترها تا مشکلات پوستی نداشته باشند. اما با یک حساب سرانگشتی در زمانی که پوشک بسته‌ای ۲۳ هزار تومان بود، متوجه شدیم ماهیانه مبلغ ۳۰ میلیون تومان هزینه برمی‌دارد؛ یعنی روزانه حدود یک میلیون تومان و خوب این مقدار برای ما مقدور نبود و مجبور شدیم برای تعدادی از بچه‌ها از همان موقع از پارچه‌های نظیف استفاده کنیم. البته حدود ۶ هفت ماه است که گروهی از خیران برای خرید پوشک پول جمع می‌کنند، پول را به حساب ما واریز می‌کنند و ما خودشان را مامور خرید می‌کنیم تا اعتماد متقابل ایجاد شود. پیش فاکتور را می‌آورند و ما چک را به آنها می‌دهیم و پوشک تهیه می‌کنیم. تا به حال هم چندین مورد تهیه کرده‌اند ولی جمع کمک‌های آنها بیش از ۶ میلیون تومان هم در ماه نبوده است. در ارتباط با مشکلات پوستی، ما دوست داریم همه به سمت استفاده از پوشک بروند و تلاش هم می‌کنیم اما به علت وضعیت مالی و کمبود پوشک با مشکل مواجه شده‌ایم. حتی در بازه‌هایی هم که مشکل مالی نداشتیم به مشکل کمبود برخوردیم.

علی حاجیان، مدیرعامل موسسه خیریه یاوران معلولان نارمک در ارتباط با فعالیت‌های این موسسه با «فرهیختگان» به‌گفت‌و‌گو نشست و در ارتباط با قدمت و وضعیت این موسسه و مشکلات و دستاوردهای یک‌سال اخیر و بعد از خروج دولتی‌ها از بهزیستی نارمک سخن گفت.

**پوشش بیش از ۴۷۰ مددجو**

مرکز معلولان نارمک در سال ۱۳۴۵، به‌عنوان یک خیریه توسط آقای دکتر سعادت در زمین اهدایی خانم ملوک هاشمی به صورت خصوصی تأسیس شد. بعد از انقلاب دکتر سعادت این مرکز را به سازمان بهزیستی تحویل داد. درحال حاضر حدود ۱۷۰ مددجوی معلول ذهنی و جسمی که ۹۰ درصد آنها ایزوله هستند (یعنی بدون تحرک روی تخت هستند) به صورت شبانه‌روزی در این مرکز نگهداری می‌شوند. این افراد حدوداً سه تا ۴۰ ساله هستند و از هر دو جنسیت مددجو داریم. مضاف بر اینها حدود ۳۰۰ مددجو ضایعه نخاعی هم تحت پوشش داریم و بخشی از کمک‌های دریافتی را به آنها اختصاص می‌دهیم که در خانه‌های خودشان هستند.

ساختمان این مرکز بسیار قدیمی است و با استانداردهای موجود بسیار فاصله دارد. سازمان بهزیستی آن‌طور که باید، نه بودجه‌ای دارد و نه هزینه‌های واقعی اینجا را پشتیبانی می‌کند. عمده هزینه‌ها به صورت نقدی و غیرنقدی توسط مردم تأمین می‌شود و این ۱۷۰ مددجویی را که اینجا هستند با ۱۰۵ نفر پرسنل اداره می‌کنیم. درحال حاضر که ۶ ماه از سال گذشته، هیچ بودجه‌ای به موسسه داده نشده است.

پزشک، پرستار، بهیار، کمک‌بهیار، مادریار و پذیرا این مجموعه افرادی هستند که در این محل مشغول فعالیتند. خیاط‌خانه، آشپزخانه و رختشویی پرسنل غیربخشی محسوب می‌شوند.

**ناتوانی دولت در اداره مرکز و واگذاری آن**

از یک‌سال گذشته این مرکز از مدیریت دولتی به هیات‌امانت‌حویل داده شده است و مدیر دولتی اینجا حاضر نیست. روال کار به این صورت است که مرکزی که واگذار می‌شود با این مشخصات

## در حاشیه

**هزینه‌های جاری شهرداری؛ ماهی هزار میلیارد!**

محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران گفت: «پایداری و متوازن بودن دو ویژگی مهمی است که باید در ساختار تأمین مالی مدیریت شهری تثبیت شود. منابع پایدار به منابع مالی‌ای گفته می‌شود که از جنس واگذاری دارایی‌ها و سرمایه‌ها یا فروش فضاهای شهری که یک‌بار مصرف هستند، نیست و قابل تجدید و استفاده است. اما منابع مدیریت شهری، علاوه بر پایدار بودن، باید متوازن نیز باشند؛ به این معنا که ما نمی‌توانیم هزینه‌های اداره شهر را کلایر دوش یک گروه از منابع، حتی منابع پایدار قرار دهیم. نتیجه نامتوازن بودن منابع، عدم تعادل بین هزینه‌ها و منابع و کسری بودجه و درنهایت تعطیل شدن بخشی از وظایف مدیریت شهری است. نتیجه عدم توازن در مدیریت شهری این شده است که ماهانه هزار میلیارد تومان صرف هزینه‌های جاری و نگهداشت شهر می‌شود و اقدامات زیرساختی و زیربنایی‌ای که اهمیت بالایی دارند در اولویت دوم قرار می‌گیرند.»

**عدم حمایت از شهدای آتش‌نشان پلاسکو**

حجت نظری، عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران گفت: «متأسفانه بعد از دو سال شهدای آتش‌نشان پلاسکو تحت پوشش و حمایت قرار نگرفته‌اند و حتی شهرداری نیز اقدامی نکرده است که این موضوع جای تأسف دارد. در گفت‌وگو با برخی آتش‌نشانان با وجود آنکه به آنان گفته شده سختی کار برایشان لحاظ می‌شود و می‌توانند با ۲۵ سال سابقه، بازنشسته شوند اما هنوز این‌اهامات زیادی درمورد آن برای آتش‌نشانان وجود دارد. متأسفانه در صحبت‌با برخی از این خانواده‌ها مطلع شدم اداره ایثارگران شهرداری تهران، شهدای پلاسکو را تحت پوشش قرار نداده است که همین امر سبب دلخوری و نرنجش برخی خانواده‌ها شده است. اگر به دلیل کاستی‌های قانونی، بنیاد شهید و امور ایثارگران نتواند این خانواده‌ها را تحت پوشش قرار دهد، از اداره ایثارگران شهرداری انتظار می‌رود متفاوت عمل کند. از طرف دیگر خانواده‌ها گمان می‌کنند به‌فراموشی سپرده‌شده‌اند و لازم است در این زمینه شهردار تهران که خود از خانواده ایثارگران است، با آنها دیدار کند و مطالبات آنها را بشنود.»

**کمبود ۱۰ هزار معلم در تهران**

عباسعلی باقری، مدیرکل آموزش و پرورش گفت: تهران جزء فقیرترین نقاط کشور از لحاظ داشتن نیروی انسانی است و در برخی استان‌ها نسبت معلم به دانش‌آموز یک به ۹ است که این رقم در تهران یک به ۱۹ است. در شهر تهران ۱۰ هزار معلم کمبود داریم اما به این معنا نیست که کلاس‌های درس تهران بدون معلم باشند. طبیعی است از ۲۵ هزار کلاس درس، یک یا چند کلاس معلم نداشته باشند؛ چون برخی خانم‌ها به‌مرخصی راجمان می‌روند یا ممکن است معلمی بیمار شود و چند هفته به مدرسه نیاید که این مشکلات حل‌حل است و می‌توانیم آن را تأمین کنیم. حدود سه هزار معلم از پنج هزار معلمی که در آستانه بازنشستگی بودند به خدمت خود ادامه داده‌اند. ۷۰۰ نفر استخدام جدید داشتیم، ۶۰۰ نفر از سایر استان‌ها به تهران منتقل شدند و ۱۳۰۰ نفر که سال‌های قبل به تهران آمده بودند، با فعالیت خود را در تهران تمدید کردند. ۱۲۰ نفر از مربیان پیش‌دبستانی تعیین تکلیف شدند و پنج هزار و ۷۰۰ کسری معلم باقی‌مانده را به‌صورت حق‌التدریس شغلان و بازنشسته‌ها جبران کردیم.»

**آگهی مزایده عمومی**  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام در نظر دارد بوقه‌های برادران و خواهران و خوابگاه الزهراء واحدا را از طریق مزایده به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌توانند از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت دریافت اسناد شرکت در مزایده به واحد تدارکات به نشانی ایلام، بلوار دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام یا به سایت دانشگاه به آدرس (<http://www.ilam-iau.ac.ir>) مراجعه نمایند. دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادهای مختار می‌باشد. پرداخت هزینه آگهی مزایده به عهده برنده مزایده می‌باشد. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

**آگهی فروش**  
در مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ از ساعت ۱۰ الی ۱۱ جلسه مزایده برگزار می‌شود. به موجب پرونده کلاسه ۹۷۰۲۴۵ اجرای احکام مدنی محکوم علیه شرکت مهر سیستم مدرن ماهان سهامی خاص با مدیریت علی آتش‌پوش محکوم به پرداخت ۳۶۳۲۱۰۴۴۰ ریال بابت اصل خواسته در حق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر که در این راستا ۵ دستگاه فوتویی به مشخصات مدل ۷۲۲ دو دستگاه، ۷۲۰ و یک دستگاه Stabir Toshiba از نوع Stabir Toshiba یک دستگاه از نوع Toshiba و به نظریه کارشناسی جمعا قیمت پایه ۸۷۵۰۰۰۰ ریال مجموع کل برآورد تعیین و برآورده شده که توسط کارشناس رسمی به ترتیب فوق ارزیابی گردیده تعیین اعلام می‌گردد. جلسه در دفتر اجرای احکام مدنی شوشتر یا حضور نماینده محترم دادستان عمومی تشکیل است به استناد ماده ۱۲۸ قانون اجرای احکام مدنی مزایده از قیمت کارشناسی شروع شد. برای مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ ساعت ۱۰ صبح وقت مزایده به حضور نماینده دادستان عمومی و انقلاب شوشتر در محل اجرای احکام مدنی تعیین گردیده است. متقاضیان می‌توانند در جلسه مزایده در وقت و ساعت مقرر فوق حضور یابند. مزایده از قیمت کارشناسی شروع شده و به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش خواهد رسید. ضمناً ضرورت دارد برنده مزایده در مورد قیمت مزایده از تاریخ مزایده به صورت چک تضمینی به دفتر اجرای احکام یا از رسید تحویل نماید و برنده مزایده الباقی مبلغ را باید ظرف یک ماه به صندوق دادگستری واریز نماید. بدیهی است وفق مقررات ذیل ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر (حداکثر یک ماه) بقیه بدهای اموال این‌بازر سبیره او پس کسری هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می‌گردد. داوطلبان می‌توانند در صورت تمایل جهت بازدید سه روز قبل از مزایده به اجرای احکام حقوقی مراجعه نمایند. اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان شوشتر - سیدابراهیم کریمی

**آگهی مناقصه**  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز در نظر دارد امور مربوط به انجام ایاب و ذهاب دانشگاه را با تعداد ۶ دستگاه خودرو سواری و انجام امور جاری را با یک دستگاه وانت نیسان (همگی از مدل ۹۲ به بالا) از طریق برگزاری مناقصه عمومی به مدت یک سال (ماه ۱۲) به شرکت‌های ذی صلاح و واجد شرایط، واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت و تکمیل اوراق مناقصه به وب‌سایت دانشگاه به آدرس [www.iaushiraz.ac.ir](http://www.iaushiraz.ac.ir) مراجعه نموده و پیشنهادات خود را حداکثر از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری در پاکت‌های لاک و مهر شده ضمن درج موضوع مناقصه روی پاکت‌ها به دبیرخانه محرمانه دانشگاه به آدرس شیراز- کیلومتر ۵ جاده صدر- پردیس دانشگاه آزاد اسلامی شیراز- ساختمان حوزه مدیریت- طبقه دوم- دفتر حراست تسلیم نمایند. تلفن تماس: ۰۶۶۴۳۲۴۱۱۷  
ضمناً دانشگاه در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات واصله دارای اختیار تام می‌باشد و همچنین هزینه درج آگهی مناقصه در روزنامه‌های استانی و کشوری برعهده برنده مناقصه می‌باشد. ک. ۹۷-۷۷

**آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)**  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود در نظر دارد عملیات احداث بنای یادمان شهدای گمنام مجتمع دانشگاهی خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط (حداقل دارای رتبه ۵ ابییه) واگذار نماید. شرکت‌های متقاضی می‌بایست ظرف مدت یک هفته از تاریخ درج آگهی با مراجعه به دفتر فنی و عمرانی واحد دورود، ضمن بازدید از محل انجام پروژه، نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار بوده و هزینه درج آگهی نیز به عهده برنده مناقصه می‌باشد. تلفن تماس: ۰۶۶۴۳۲۴۱۱۷ روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود